

بررسی سوبه‌های دین‌دارانه خام‌گیاه‌خواری در شهر تهران

(مطالعه موردی انجمن خام‌گیاه‌خواری شهر تهران)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۶، شماره یک: ۱۳۹-۱۱۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در *ISC*

سیدمهدی اعتمادی فرد^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

رسول محسن‌زاده^۲

دانش آموخته دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران

پذیرش ۹۸/۵/۱۷

دریافت ۹۷/۱۰/۲۵

چکیده

این‌گونه به نظر می‌رسد که افراد دین‌دار در جوامع مدرن کنونی رو به کاهش‌اند، اما مذاقه در برخی از سبک‌های جدید زندگی و جماعت‌ها نشان می‌دهد که ما هنوز در حال زندگی در جامعه‌ای دینی هستیم. شاید به‌نظر یکدستی دینی و سیطره اجتماعی دین رسمی و نهادمند کم شده باشد، اما همچنان افراد به طرق متنوع و متکثرتری، به دین و دینداری گرایش دارند. ما در این پژوهش، با استفاده از روش مردم‌نگاری سعی در کنکاش همین مسئله در بین خام‌گیاه‌خواران شهر تهران را داریم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اغلب خام‌گیاه‌خواران شهر تهران، به خام‌گیاه‌خواری به مثابه ابزاری برای تزکیه نفس و هم‌فازی با طبیعت می‌نگرند. آنها دارای باورهای مشترک و مراسم‌ها و اعمالی می‌باشند که از خلال آنها، خود را به مثابه جماعتی برگزیده، از دیگران یا گمراهان متمایز می‌کنند. خام‌گیاه‌خواران علاوه بر تقدس‌بخشی به انجمن خام‌گیاه‌خواری، با به عاریت گرفتن مفاهیم عرفانی، هدف خود از خام‌گیاه‌خواری را هم‌فازی با جهان و بی‌نیازی از مادیات عنوان می‌کنند. از این جهت، خام‌گیاه‌خواری بیش از آنکه یک سبک‌زندگی اخلاقی باشد، یک نوع دین غیرنهادمند و نوظهور است که افرادی از طبقات پایین را به سوی خود جذب می‌کند.

واژگان کلیدی: دین، گیاه‌خواری، هم‌فازی، شفا، طبیعت، سلامت

^۱پست الکترونیکی: etemady.ut.ac.ir

^۲پست الکترونیکی: papi.rasoul@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

«این ساختمان کثیفِ غم‌انگیز (سلاخ‌خانه)، بوی خونی که خفقان می‌آورد، زمین نمناک، خون تازه‌ایی که از هر سو روان است، فریادهای جان‌گداز حیوانات، جسدهایی که به خون آغشته شده و با تشنج می‌لرزند، اسب‌های لاغر نیمه‌جان که دو طرف آن لاشه آویخته‌اند و قصاب‌هایی که برای خرید لاش‌مرده آمد و رفت می‌کنند و از طرف دیگر ناله گوسفندان و همهمه صدای دشنام و داد و فریاد آدمیان» (هدایت، ۱۳۴۲: ۳) احتمالاً زمانی که یک قرن پیش صادق هدایت نویسنده مشهور ایرانی، در کتاب فوائد گیاه‌خواری، بدین شکل وجدآمیز، دست به نقد گوشت‌خواری و گوشت‌خواران می‌زد؛ هرگز گمان نمی‌برد که سال‌ها بعد کتاب او و برخی از آثار متأخرتر مانند کتاب خام‌گیاه‌خواری آوانسیان برای جماعت‌هایی^۱ از مردم به مثابه کتابی مقدس دست به دست شده تا در شخصی‌ترین مسائل زندگی‌شان، از فرامین این آثار تاسی بگیرند. ادبیات گیاه‌خواری و خام‌گیاه‌خواری پس از هدایت، بیش از پیش رنگ و بوی الاهیاتی به خود گرفت و امروزه با مفاهیمی مانند فرجام بشریت، نابودی زمین، اخلاق مصرفی، شفا، لغزش، باور همزیستی با جهان، مراقبه، تزکیه نفس و نگاه‌داشت تن، درصدد طرح دعاوی خود درباره ی جهان و جامعه است.

بر اساس مطالعات میدانی، در شهر تهران ما با دو گروه عمده گیاه‌خوار مواجه‌ایم که با وجود تفاوت‌ها در ذیل مفهوم گیاه‌خواری قرار می‌گیرند: خام‌گیاه‌خواران^۲ و گیاه‌خواران^۳. این دو گروه دارای دو سبک متفاوت مصرفی و نگرشی می‌باشند. گروه نخست، بر این باورند که انسان باید به مصرف مواد غذایی دست بزند که بدون پخت و پز و دستکاری، قابل هضم باشند. از این جهت، دانه‌ها و میوه‌های خوراکی، برخی محصولات دامی و حیوانی مانند شیر و عسل، قابل استفاده هستند چرا که به شکل طبیعی و بدون نیاز به پختن قابل مصرف‌اند، اما از خوردن گوشت، اغلب ریشه‌های خوراکی مانند شلغم یا چغندر و حبوبات به این علت که مصرفشان، نیاز به پختن و پز دارد اجتناب می‌کنند. عمدتاً هدف آنها هماهنگی با روح طبیعت است و از این طریق اهدافی متعالی مانند سبک شدن روح و رسیدن به خدا و هم‌گامی با هستی را دنبال

1 Community

2 Vegetarian

3 Vegan

می‌کنند. ایده‌آل تایپ خام‌گیاه‌خواران زیست مرتاض‌های هندی است که از نیروی خورشید تغذیه می‌کنند و گرچه پا برزمین دارند، اما از آن بی‌نیازند. آنها از سویی مانند ادیان، دعاوی فرازمینی دارند و از سوی دیگر در ذیل ادیان رسمی و نهادی قرار نمی‌گیرند از این جهت مانند دو عرفان حلقه و رام‌الله می‌توان آنها را به عنوان گفتمان موازی^۱ در برابر دین نهادمند و گفتمان قالب تعریف نمود.

اما گروه دوم یعنی گیاه‌خواران از مصرف هرگونه فرآورده‌ی حیوانی اعم از انواع گوشت قرمز و سفید نیز آزیان، ماکیان، لبنیات، تخم‌مرغ، عسل، ابریشم، چرم، خز و ژله پرهیز می‌کنند. از نظر آنها مصرف هرگونه محصول حیوانی غیراخلاقی است. هدف گیاه‌خواران مبارزه با استثمار حیوانات و مقابله با هژمونی صنعت گوشت است. هرچند گیاه‌خواران با مفاهیم و اعمالی مانند پرهیز، هم‌زیستی و نذری عاری از سوبه‌های دینی نمی‌باشند اما به طور کلی برخلاف اهداف ماورایی خام‌گیاه‌خواران، گیاه‌خواران با در پیش کشیدن مباحثی چون سلامت، عقلانیت مصرفی و نجات زمین، وقع چندانی به مباحث متافیزیکی نمی‌نهند و بیشتر درصدد پیاده‌سازی نوعی سبک‌زندگی اخلاق‌مدارانه و رژیم مصرفی اخلاقی می‌باشند. از این جهت، به نظر با این وجود که اغلب مردم و حتی پژوهشگران گیاه‌خواران تهرانی را از یک سنخ قلمداد می‌کنند ما با دو گروه کاملاً متفاوت - چه از حیث اهداف و چه از حیث سبک زندگی - مواجه‌ایم.

اکنون در شهر تهران به‌تنهایی ده‌ها رستوران و فروشگاه گیاه‌خواری، و مراکز مشاوره و گروه‌مایی گیاه‌خواران و خام‌گیاه‌خواران وجود دارد و گیاه‌خواری در بین برخی از اقشار و طبقات متوسط و بالای شهر تهران، به مرور به مثابه یک سبک‌زندگی به رسمیت شناخته می‌شوند. علاوه بر این وب‌سایت‌ها، کانال‌ها و شبکه‌های مجازی زیادی به تبلیغ گیاه‌خواری، کنش‌ها و ایده‌های نزدیک به گیاه‌خواری مانند حمایت از حیوانات، کشاورزی ارگانیک، سلامت تغذیه و فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌پردازند. اما چنانچه گفته شد، در اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته، خام‌گیاه‌خواری به یک سبک زندگی مصرفی تقلیل داده شده است در حالی که خام‌گیاه‌خواران چه از حیث زبان و ادبیات، چه از حیث فضای مرکز و چه از حیث نوع

کنش‌گری، آشکارا دارای سویه‌های دینی می‌باشند. از این جهت ما در این پژوهش، در پی بررسی سویه‌های دینی خام گیاه‌خواران شهر تهران می‌باشیم. مسئله‌ی ما توصیف و تحلیل این امر است که آیا می‌توان خام‌گیاه‌خواری را به مثابه یک دین یا شبه‌دین مورد تعریف قرار داد؟ برای پاسخگویی به این مسئله، ضمن شناسایی تیپ‌های حاضر در میدان، مکانیسم‌هایی درونی دخیل در دینی شدن خام‌گیاه‌خواری و همچنین علل دینی شدن خام‌گیاه‌خواری را مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

چارچوب مفهومی

اما یک پرسش اساسی این است که خود مفهوم دین چیست و چه چیزی را می‌توان دین نامید؟ نیز آنکه چه سرنوشتی در انتظار دین در جوامع مدرن است؟ در این مورد، مهم‌ترین متفکر امیل دورکیم و کتاب او "صور بنیادی حیات دینی" است. دورکیم در این اثر، ابتدا تعاریف مطرح‌شده درباره دین را شرح و بسط می‌دهد و سپس یک‌به‌یک به تشکیک در آن‌ها دست می‌زند. اسپنسر انسان‌شناس ویژگی اسرارآمیز بودن و پرداختن به امور مابعدالطبیعه را ویژگی مشخصه همه ادیان جهان می‌داند. دورکیم در رد او توجه به مابعدالطبیعه را ماحصل ادیان متأخر می‌داند و می‌نویسد که این ویژگی به‌هیچ‌وجه در ادیان ابتدایی که طبیعت را نمی‌شناختند دیده نمی‌شود. دورکیم در رد تیلور که از لفظ موجودات روحانی یا روح سایه‌گون^۱ برای رسیدن به ماهیت دین استفاده می‌کند از ادیانی مانند بودیسم یاد می‌کند که نه تنها خدایی در آنها وجود ندارد بلکه اساساً چنین ادیانی برنامه مدون و منظم برای همین زندگی مادی طرح می‌ریزند. به این ترتیب دورکیم با نقد تعاریف صورت گرفته، با در پیش گرفتن یک منطق سلبی، به سوی ذکر وجوه مشترک ادیان به پیش می‌رود. از نظر دورکیم پدیده‌های دینی در دو مقوله اساسی مشترک‌اند؛ همه ادیان عقایدی دارند و همه ادیان دارای مناسک هستند؛ یعنی همه ادیان نظریاتی درباره جهان دارند و طریقه‌ها و اعمالی را برای پیروان خود در نظر می‌گیرد. وجود هر یک از این دو مقوله بدون دیگری عملاً تعریف دین را مخدوش و غیرممکن می‌سازد. دورکیم بر این باور بود که هر تفکر مذهبی دارای خصیصه طبقه‌بندی‌ساز است. جامعه بعضی از امور را مقدس و بعضی را نامقدس می‌کند و این خصیصه یعنی تقدس از نظر دورکیم عنصر مشترک همه ادیان جهان

1 Shadow soul

است؛ اما جادو هم مانند دین از عقاید و آداب و رسوم بهره می‌گیرد و همچنین مانند ادیان، عقاید و افسانه و اسطوره‌های خاص خود را دارد. وجه تمایز دین و جادو از نظر دورکیم در جمعی بودن عقاید دینی و انجام مناسک به شکل جمعی است. سحر و جادو حتی اگر به صورت گروهی انجام شود نمی‌تواند عامل انسجام اجتماعی باشد؛ بنابراین «دین عبارت است از دستگاهی هم‌بسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی یعنی امور مجزا از امور ناسوتی، امور ممنوع؛ این باورها و اعمال همه‌کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کنند.» (دورکیم، ۱۳۸۶: ۶۳) آنچه اینجا مورد تقدس قرار می‌گیرد از نظر دورکیم چیزی جز خود جامعه نیست و مناسک‌ها و شعائری که در درون ادیان انجام می‌شود، بازتاب روح جمعی اعضای گروه دینی می‌باشد. بنابراین کارکرد دین از نظر دورکیم حفظ همبستگی و اخلاق اجتماعی است.

تشدید فردانیت، یک از چالش‌های مطرح شده در مورد ادامه حیات ادیان است. دورکیم خود در صور بنیادی ایده اسپنسر و ساباتیه را در همین مورد را مطرح می‌کند که بر اساس آن روزی فراخواهد رسید که هرکسی به شکل آزادانه و در سودای خاطر خویش دست به انتخاب دینی انفرادی می‌زند؛ اما دورکیم می‌گوید «این آیین‌های پرستش فردی دستگاه دینی متمایز و مستقلی را تشکیل نمی‌دهند بلکه جنبه‌های ساده‌ای از دین مشترک امتی‌اند که افراد جزو آن هستند... در یک کلام، امتی که فرد بدان تعلق دارد است که به او می‌آموزد که این خدایان شخصی چیست‌اند، نقش آنها چیست، چگونه فرد می‌بایست با آنان ارتباط برقرار کند و چگونه باید به پرستش آنان برخیزد» (دورکیم، ۱۳۸۶: ۶۲). از نظر دورکیم، ادیان فردی، صورت فردیت یافته ادیان جمعی و نه چیزی بیش از آنند؛ بنابراین می‌توانند موضوع جامعه‌شناسی دین باشند. بدین ترتیب از نظر دورکیم نطفه انفرادی‌ترین ادیان در بستر اجتماع شکل می‌گیرد.

دورکیم در "احساس دینی در عصر حاضر" ادعا می‌کند که دین و آرمان‌هایش به قدر کافی پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه نیستند (دورکیم، ۱۳۸۷: ۸۲) و در کلیت زندگی و آثارش، امیدوار به شکل‌گیری آرمان‌های اخلاقی مدنی است که ضرورتاً پیوندی با دین نداشته باشد. ذهن او با تاسی از مضامین کانتی، در جستجوی وضعیت‌ها و شرایط اجتماعی است که فردگرایی اخلاقی در جامعه، قوام گیرد و در صورت امکان، جایگزین اخلاق دینی گردد. یهودی بودن او، ماجرای دریفوس و فعالیت‌های شدید سیاسی و روشنفکری، حضور مداوم در محافل سیاسی، حمله به

فایده‌گرایی بتنام، نقد سیستم توارث در مالکیت، دفاع او از جامعه در برابر اجتماع، دفاع از عقلانیت و دست آخر انقلابی که در فضای آموزشی فرانسه به وجود آورد را در همین راستا می‌توان درک کرد. وی معتقد بود جوامع مدرن اخلاق مبتنی بر همبستگی ارگانیکی را خلق می‌کنند، بنابراین اخلاق دیگری در راه است، اخلاقی که نظم اجتماعی متناسب با همبستگی ارگانیکی را به همراه می‌آورد (سیدمن، ۱۳۸۸: ۶۰). از نظر دورکیم مشکلات عصر حاضر ناشی از ویران شدن اجتماع نیست بلکه ناشی از عدم استقرار کامل جامعه ارگانیکی است و وظیفه علم جامعه‌شناسی کمک به استقرار آن است (اباذری، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

برخلاف امید دورکیم، بنا بر شواهد و قرائن، ما معتقدیم که در بستر مدرنیته دین از بین نخواهد رفت اما بسیاری از وظایفی که سابقاً در نهاد دین حل و فصل می‌شدند امروز به نهادهای دیگر واگذار شده‌اند یا به مرور به قهقهراه خواهند رفت. همچنان‌که جامعه کاملاً غیردینی هیچ‌وقت پا به عرصه ظهور نمی‌گذرد دین نیز حتی اگر یک کیش شخصیتی باشد هرگز از بین نخواهد رفت. این ایده‌ای است که خود دورکیم در نتیجه‌گیری صور بنیادین بدان معترف بود: «بدیهی است که نظرورزی دینی، در آینده، نخواهد توانست همان نقشی را که در گذشته داشت دارا باشد. با این همه، باید گفت دین بیشتر موظف است خود را تغییر دهد تا این‌که از بین برود. ما گفتیم که در دین عنصری ابدی وجود دارد؛ این عنصر همان کیش یا ایمان است» (دورکیم، ۱۳۸۶: ۵۹۷).

صورت تغییر یافته دین در عصر مدرن، مسبب ابداع برخی مفاهیم مانند شبه‌دین^۱ گردید. به معنای دینی که خصیصه‌های ادیان کلاسیک را دارا نیست اما عاری از عناصر دینی نیز نمی‌باشد (میرساردو و ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۵۶)، (نوربخش، ۱۳۸۸: ۲۱۸). شاید چنانچه لاکمن در ادیان نامرئی اشاره می‌کند؛ استفاده از مفاهیمی مانند فرقه، کیش، شبه‌دین و... برای توصیف ادیان تازه‌ظهور به علت شاخص قرار دادن شاخص‌های مطرح‌شده در ادیان کلاسیک باشد (لاکمن، ۱۹۶۷: ۴۹). لاکمن به درستی معتقد است با این تعاریف، امروز دینی در جهان مملو از ادیان وجود ندارد. ایرادی که لاکمن وارد می‌کند کاملاً بجاست اما شاخص‌گذاری‌های صورت گرفته بر اساس ادیان کلاسیک می‌تواند یک نقشه تحلیلی در معمای هزارتوی ادیان

1 quasi-religious

نوظهور امروزی باشد و این دقیقاً همان نکته‌ای است که دورکیم در صور بنیادین حیات دینی به ما نشان می‌دهد (دورکیم، ۱۳۸۶: ۱). ادیان نهادمند، ایده‌آل‌تایی جهت‌تمایز و تشکیک میان ادیان نوظهور و اجتماعاتی هستند که به خصوص از دهه ۱۹۶۰ در جهان غرب گسترش یافتند. ادیان نوظهور از حیث فرم و محتوا و نیز پیروان آنها به شدت ترکیبی و سیال‌اند، به گونه‌ای که «بیشتر اعضای این گروه‌های دینی پیش از پیوستن به این جنبش‌ها، از هیپی‌ها، ترک تحصیل‌کرده‌ها و ضد فرهنگ‌های معتاد هستند» (همیلتون، ۱۳۸۷: ۳۵۷). تحلیل‌های جامعه‌شناسی دین بر اساس سنخ‌شناسی کلیسا/فرقه یا سنخ‌شناسی‌های مشابه بوده است و ما برای بررسی پدیده‌هایی مانند دین‌داری‌های جدید نیاز به تعاریف و مفاهیم تازه‌ایی داریم. «علت این نارسایی روش‌شناختی استفاده از معیارها و سنجه‌های سنخ‌شناسی سازمان‌های ادیان کلاسیک است؛ یعنی تعریف‌هایی از دین و دین‌داری عرضه می‌شود که صرفاً متوجه سازمان‌های دینی مانند کلیسا، فرقه‌ها و مذاهب است. این نوع روش تحلیل موجب شده است که این شیوه جامعه‌شناسی از بعد عرفانی و معنوی یک فرهنگ که یک تجربه زنده است غافل بماند» (لاکمن، ۱۹۶۷: ۴۹). از این جهت، دین در این پژوهش لزوماً به معنی دین نهادمند و رسمی به کار گرفته نمی‌شود، بلکه وجود یک دین دستگاہ منسجم از باورهای مربوط به امور الاهیاتی مجزا از امور ناسوتی، و انجام مناسک‌هایی در این راستا در بین یک جماعت، به معنای وجود دین خواهد بود. ما با این تعریف از دین به مطالعه مرکز خام‌گیاه‌خواری خواهیم پرداخت.

روش‌شناسی

پاسخگویی به این پرسش که آیا می‌توان خام‌گیاه‌خواری را به مثابه یک دین مورد تعریف قرار داد، ما را ضرورتاً به استفاده از روش کیفی سوق خواهد داد چرا که این پرسش، وجهی فرایندوار دارد که پاسخ بدان فراتر از چشم‌اندازهای پژوهش‌های کمی است. نیز آن‌که شرح و فهم سوبه‌های دینی درون میدان، لاجرم نیازمند شرح کُتب، تعالیم، عقاید و فضای حاکم بر میدان پژوهش است. از این جهت، ما در این پژوهش با استفاده از روش‌های مردم‌نگارانه، با حضور در میدان درصدد کنکاش در وجوه دینی خام‌گیاه‌خواران هستیم. مردم‌نگاری رویکرد نظام‌مند یادگیری درباره زندگی اجتماعی و فرهنگی نهادها و اجتماعاتی است که هدف آن، فهم

معانی برساخته درباره جهان اطراف است، به‌طور خاص معانی که به یک فضای خاص^۱ اختصاص دارد (لی‌کامپیت و اسکنسول، ۲۰۱۰: ۱۷). مردم‌نگاری، مانند پژوهش‌های کلاسیک، شرح یک به یک، تمامی وجوه فرهنگی یک میدان خاص نیست، بلکه مسئله‌محور است و مضافاً اینکه روی بازی به استفاده از دیگر روش‌های موجود مانند مشاهده، مصاحبه و روایت، به شرط عدم تناقض با مسئله و کلیت مردم‌نگاری دارد. بنابراین ما در انجام این پژوهش با تمرکز بر مسئله، سعی در جمع‌آوری همه اطلاعاتی را داریم که در میدان تحقیق، به پاسخ‌دهی ما کمک می‌کنند.

میدان تحقیق میدانی که ما به‌عنوان مورد تحقیق دست به مطالعه آن می‌زنیم مرکز تغذیه طبیعی ایران می‌باشد. علت انتخاب این برای مردم‌نگاری؛ محوریت، مقبولیت و مرکزیت آن برای گروه‌های خام‌گیاه‌خوار شهر تهران می‌باشد. سوژه‌های انتخاب شده برای مصاحبه، از انواع تیپ‌های حاضر در میدان باشند و از این جهت متغیرهای مختلفی مانند سن، جنسیت، شغل و حضور فعال در میدان، در انتخاب آنها موثر بوده است.

جدول شماره ۱- سوژه‌های مورد مصاحبه. (منبع: مولف)

نام	سن	سبک	شغل	تحصیلات
علی	۲۲	سبک‌زندگی	دانشجوی مکانیک	کارشناسی
دکتر خوش‌نویس	۴۱	سبک‌زندگی	پزشک	دکتری
منوچهر	۶۱	سلامت‌محور	بازنشسته (راننده)	سیکل
مهتاج	۶۳	سلامت‌محور	خانه‌دار	ابتدایی
بهزاد	۲۱	عرفان‌گرا	دانشجو	فوق دیپلم
مهدی	۳۷	عرفان‌گرا	کبابی	لیسانس
عادل	۳۸	عرفان‌گرا	خدماتی	دیپلم
میثاق	۵۴	عرفان‌گرا	بازنشسته‌ارثش	دیپلم
پریسا	۳۱	عرفان‌گرا	دانشجو	لیسانس
امید	۲۸	عرفان‌گرا	برق‌کار	دیپلم

1 locally specific & local-based

مرکز تغذیه طبیعی ایران

این انجمن منزلی اجاره‌ای است که در انتهای شمالی خیابان اشرفی اصفهانی تهران واقع شده است. در واقع خانه‌ایی نسبتاً قدیمی‌ساز است که مدیران مرکز، به آن وجه چندکاربری داده‌اند. مرکز خام‌گیاه‌خواری تنها چهار روز در هفته و از ساعت دوازده تا شش بعدازظهر باز است. مرکز دارای یک سالن شصت‌متری، اتاق پزشک و آشپزخانه است و علاوه بر این دو، محل اجتماع خام‌گیاه‌خواران در سلسله نشست‌های هفتگی است. به‌طور متوسط روزانه حدود دویست نفر به مرکز خام‌گیاه‌خواری مراجعه می‌کنند. حضور این افراد می‌تواند برای سرو غذا، حضور در جمع، مراجعه به پزشک حاضر در مرکز، خرید خشک‌بار و مواد خوراکی مصرفی، تهیه کتاب، فیلم و محصولات فرهنگی مرکز باشد. در درون سالن مرکز، شش ردیف میز و صندلی سفیدرنگ چیده شده است. لباس کارکنان حاضر در مرکز مانند میزها و ظرف‌های غذا، سر تا پا سفید است. بر روی دیوارهای سفید و بدون تزیین و دکور مرکز، عکس‌های از میوه‌ها و سبزی‌ها به همراه، دست‌نوشته‌هایی با مضمون عشق و عرفان دیده می‌شود. در کل فضای کلی حاکم بر مرکز، فاقد هرگونه جذابیت بصری است، فضا به خودی خود، نگه‌دارنده نیست، بلکه خسته‌کننده و مات است، فاقد نشانگان تزیینی سنتی، مذهبی، مصرفی است و چیزی شبیه به پایانه‌های مسافری یا مطب پزشک‌هاست. صندلی‌ها و بخاری قدیمی مرکز، با لوله‌هایی کهنه و زوار دررفته ضرورت‌های کارکردی را پیش از زیبایی‌شناسی و نمادپردازی در اولویت قرار می‌دهد.

اینجا بیش از آنکه یک رستوران شیک یا متوسط به بالا باشد، یک مطب پزشکی یا یک غذاخوری ساده یا یک سالن گردهمایی معمولی است. در مرکز سالن تابلوی فهرست غذاهای موجود همراه با قیمت و قاب عکسی از آوانسیان پدر خام‌گیاه‌خواری دیده می‌شود. شمال سالن، به اتاق آش‌سازی، و میز کتب و فیلم‌ها و مستندهای مرتبط ختم می‌شود. از جمله کتاب‌های موجود در مرکز می‌توان به "راز شفا"، "شما عظیم‌تر از آنی"، "بهشت یا جهنم"، "به بلندای فکرت"، "افتاده باش"، "عالمی دیگر"، "راز طبیعت" و "کلید آرامش" اشاره کرد. برخی آثار دیگر در این مرکز نیز به علت حساسیت‌های امنیتی به‌طور رسمی به فروش نمی‌رسند، اما در

بین خام‌گیاه‌خواران به شکلی محتاطانه و زیرزمینی در حال رد و بدل شدن می‌باشد، کتاب‌های محمدعلی طاهری و جزوات عرفان حلقه از این جمله می‌باشد.

غیر از شرایط استثنایی چینش فضایی انجمن، روابط درون این رستوران نیز به گونه‌ای دیگر، از روابط عقلانی و رسمی رستوران‌ها متمایز است به شکلی که مشتری‌ها یا مهمان‌ها روابطی بسیار دوستانه با یکدیگر داشته و بعد از مصرف غذاهای گیاهی، خود وظیفه جمع‌آوری ظروف و تمیز و مرتب کردن میزها را به عهده می‌گیرند. محدود بودن زمان کار انجمن، منجر به تشدید روابط و برپایی مراسم معرفی و سخنرانی، ایجاد تعهد و کنش متقابل در میان اعضا شده است.

در منتهی علیه این سالن یک میکروفن بدون میز سخنرانی وجود دارد. سیستم صوتی‌اش ابتدایی است. خام‌گیاه‌خواران از طریق این میکروفون به سخنرانی غیررسمی دست می‌زنند. آنها در روزهای گردهمایی، بدون هماهنگی برخی از حضار به ذکر تجربه‌های خود، دست می‌زنند. اهم سخنان حول، علت گرایش به خام‌گیاه‌خواری و تفاوت در ایام پیش و پس از گیاه‌خوار شدن است. آنها دوران پس از خام‌گیاه‌خواری را، دوران هماهنگی با جهان و رسیدن به خدا، لذت حقیقی و قناعت و پیش از آن را دوران، گمراهی، سردرگمی، تشویش و ملال توصیف می‌کنند.

آوانسیان

ارشاویردر آوانسیان پدر خام‌گیاه‌خواری به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان است. کتاب "خام‌گیاه‌خواری" اثری است که آوانسیان در سال ۱۹۷۶ کامل کرده است. او در این اثر انسان‌ها را به دو گروه پخته‌خوار و زنده‌خوار تقسیم می‌کند و بر اساس یک فرمول ساده، خوردن غذای پخته را مساوی با خوردن غذای مرده که دارای سلول‌های مریض، مفت‌خور است عنوان می‌نماید (آوانسیان، ۱۳۵۵: ۹۶). آوانسیان دغدغه اصلی‌اش از نگارش این کتاب را نابودی بیماری و بازگشت سلامت به جامعه جهانی ذکر می‌کند. اما فحوای کلام و فرم انتقال پیامش آشکارا رنگ و بوی دینی دارد. برای نمونه او هدف خود را نجات بشریت می‌داند و در کتاب سعی می‌کند خود را منجی بشریت و روش خویش را یگانه راه باقی‌مانده جا زند. در روحانی‌ترین قطعات کتاب، ضمن "گمراه دانستن" زیست‌شناسان و پزشکان می‌نویسد: «بیماری برای کسانی است که از خداوند و طبیعت او سرپیچی کرده‌اند. کشتن غذای زنده از بزرگ‌ترین گناهان است که هرگز از سوی خداوند بی‌پاسخ نمی‌ماند» (آوانسیان، ۱۳۵۵: ۹۱). شیطان در

حقیقت همین سلول‌های مرده درون بدن ما هستند (همان: ۱۱۰) که موجب ایجاد بدن دروغین در ما شده است و شیطان از این طریق همین بدن‌های دروغین موجب وسوسه‌ی ما می‌گردد. بدن دروغین خود شیطان است که به درون ما نفوذ کرده و انسان را آلت دست وسوسه‌های شیطانی خود قرار داده است. همین بدن‌های دروغین عامل دزدی، جنگ، آدم‌کشی و دروغ‌گویی است» (همان: ۱۲۷) که با اصلاح آنها، این مصائب بشری نیز از بین می‌روند. او حرکت خود را آغاز یک انقلاب و نهضت‌اش را یک تحول جهانی می‌داند. نهضتی که بنا بر تأکید بسیار زیاد آوانسیان زمان آغاز آن به سال ۱۳۳۳ و با قربانی دادن دو فرزند برمی‌گردد و سرانجام با نابودی بدن‌ها و اعمال شیطانی و دروغین در جهان به پایان می‌رسد (همان: ۴۹۷). او بعد از نگارش کتاب نسخه‌هایی از این اثر را با هزینه شخصی برای پزشکان، دانشمندان و حتی شاه و رهبران جهان می‌فرستد که مورد استقبال چندانی قرار نمی‌گیرد.

هدایت، این دوگانه و تضاد را به جای خام/پخته برگوشت‌خواری و گیاه‌خواری می‌نهند (هدایت، ۱۳۴۲: ۵) او حل مسائل بشری مانند جنگ و نابرابری را بر این محوریت قرار داده، اما در کار خویش تواضع بیشتری نسبت به آوانسیان خرج کرده است و دست‌کم خود را در قالب نجات‌بخش معرفی نکرده است. اثر او، اغلب در بین وگان‌ها دارای محوریت است نه در بین وجترین‌ها. اما آوانسیان خود را در قامت یک منجی که موظف در ایجاد نهضتی برای نجات بشریت است به تصویر می‌کشد تا به هر هزینه‌ایی (مانند مرگ فرزند یا صرف هزینه‌ی فراوان) رسالت الهی خویش را به انجام رساند. استفاده از واژه نهضت برای جریان زنده‌خواری نام نهادن خود به‌عنوان منجی، فرستادن نامه برای رهبران جهان، کذب دانستن ادعای دیگر رهبران خام‌گیاه‌خواری، عنوان کردن اعضای خانواده‌اش به‌عنوان اولین پیروان و انسان‌های حقیقی، گمراه و کوتاه‌بین نامیدن مخالفان همگی نشان از باور عمیق آوانسیان به رسالت خویش از سویی و از سوی دیگر سیمای دینی و رسولانه جریان خام‌گیاه‌خواری است. این گرایش ماورایی با پر و بال گرفتن عرفان‌های نوظهور در دو دهه اخیر در ایران، در بین خام‌گیاه‌خواران پررنگ‌تر گردیده است.

خام‌گیاه‌خواران سبک زندگی

به طور کلی سه طیف عمده در بین افراد حاضر در مرکز خام‌گیاه‌خواری قابل شناسایی هستند که در جدول زیر می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد:

جدول شماره ۱- سه طیف عمده حاضر در انجمن خام گیاه‌خواری (منبع: مولف)

نام گروه	علت حضور	مدت گیاه‌خواری	طبقه اقتصادی/فرهنگی
خام گیاه‌خواران سبک زندگی	حفظ سلامتی و سبک زندگی	بلندمدت	طبقه بالا
خام گیاه‌خواران	درمان و شفا	کوتاه‌مدت	طبقه متوسط
خام گیاه‌خواران عرفان‌گرا	یافتن چشم‌سوم و هماهنگی با طبیعت	بلندمدت	طبقه پایین

خام گیاه‌خواران سبک زندگی دارای مقاصد و اهداف مادی مانند؛ نجات زمین، مبارزه با قحطی و سرمایه‌داری یا حفظ سلامت هستند. آنها مفاهیمی مانند انتخاب کردن و حق انتخاب، حق بهتر زیستن و خود بودن را در جهت تشریح وضعیت خود به کار می‌گیرند. عموماً اقشار تحصیل کرده که دارای سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بالایی هستند، در این طیف قرار می‌گیرند. رویکرد خام گیاه‌خواران سبک زندگی محافظه‌کارانه، بی‌دردسر و کاملاً نزدیک به یک سبک زندگی عقلانی و حساب شده است.

علی ۲۲ ساله (دانشجوی مکانیک دانشگاه تهران):

گیاه‌خواری ماده است، ماتریاله. شما می‌تونید بگید که با مصرف مواد غذایی خاصی، احساسات ما عوض می‌شه، اما نمی‌شه گفت مثلاً من روحم عوض می‌شه. من مثلاً دیگه فیلم خشن نمی‌بینم. چون خام گیاه‌خواری و نوع تغذیه من، احساساتم رو عوض کرده و ۵۰ تا اصل که خودم به‌عمد رعایت می‌کنم. مثلاً به حیوونا احترام می‌ذارم و دیگران رو آزار نمی‌دم. کاملاً آگاهانه است. (۱۳۹۳/۱۴/۱۴)

از نظر علی، خام گیاه‌خواری یک مدل از سبک زندگی با ریشه‌های مادی است، که نوع رژیم غذایی در آن لاجرم به خلق نوع خاصی از احساسات و نگرش منجر می‌گردد. در این نوع خام گیاه‌خواری که مبتنی بر عقلانیت و علم است مثلاً علت احساس سرزندگی خام گیاه‌خوار ترشح آندرالین خون یا سلول‌های خاکستری است. همین‌که فرد خام گیاه‌خوار الزامات رفتاری خاصی را آگاهانه در پیش می‌گیرد.

دکتر خوش‌نویس پزشک مرکز:

«ما با این روش هم جسم رو اصلاح می‌کنیم هم ذهن رو هم احساسات؛ یعنی خام‌گیاه‌خواری به‌خودی‌خود همه ابعاد زندگی ما را پوشش می‌ده. شما بعد از درمان بیماری با استفاده از گیاه‌خواری ریلکس و آرام می‌شید و به‌مرور منطقی، خوشحال و بانرژی می‌شید چون گیاه می‌خورید و تحاش خونتون قلبایی می‌شود. گوشت اسید دارد و باعث می‌شه غیر از انواع و اقسام مریضی عصبانی و دمر و خسته باشید.» (۱۳۹۳/۴/۱۲)

بنابراین در این نوع خام‌گیاه‌خواری سه عامل، موجب تاثیرگذاری در سبک زندگی خام‌گیاه‌خوار می‌شوند:

الف) عامل بیولوژیکی: عدم مصرف گوشت بر احساسات و رفتارهای ما تاثیر می‌گذارد.

ب) عامل رفتار آگاهانه؛ فرد با نیل به خام‌گیاه‌خوار شدنش، نوع خاصی از کنشگری و عواطف را بروز می‌دهد.

پ) عامل الگوی اخلاقی: فرد خود را متعهد به انجام یک سری اعمال خاص و تحریم برخی اعمال دیگر می‌کند.

از این جهت خام‌گیاه‌خواران سبک زندگی، به وگان‌ها یا گیاه‌خواران بسیار نزدیکند، و نگرشی مادی و این‌جهانی به این عمل خود دارند.

خام‌گیاه‌خواران سلامت‌محور

عمده‌ی افراد که به مرکز مراجعه می‌کنند، دارای دو تیپ بیماری هستند:

- ۱- بیماری‌های لاعلاج مانند انواع سرطان که عموماً مسن هستند.
- ۲- بیماری‌های درمان‌پذیر مانند چاقی مزمن ۱ قندخون یا ایم اس خفیف یا افراد سابقاً معتاد که اغلب جوان یا میان‌سالند.

گفتیم که به نظر آوانسیان، خوردن غذای پخته یا مرده به جای خام عامل اصلی ابتلا به انواع بیماری‌هاست. (آوانسیان، ۱۳۵۵: ۹۶) از این جهت خام‌گیاه‌خواری از بدو امر در حوزه‌ی سلامت دارای دعاوی عمده‌ایی است. در درون مرکز، برخی گیاه‌خواران مرتب دم از شفایافتن و نتیجه گرفتن می‌زنند. این افراد چه از طریق صحبت با میکروفون چه دیالوگ‌های دو نفر، با وجدی خاص از غلبه بر بیماری‌ها سخن می‌گویند. آنها از تجارب ناکام خود در غلبه بر بیماری‌ها از

طریق روش‌های مرسوم، صحبت می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه مرکز، زندگی آنها را از این رو به آن رو کرده است. فضای اصلی مرکز در اختیار همین شفایافتگان است که عمدتاً از چاقی مزمن، قندخون، فشار و در نتیجه بیماری‌های قلبی و عروقی رنج می‌برده‌اند و از این جهت در طیف دوم بیماران قرار می‌گیرند. این بیماری‌ها، مستقیماً با رژیم‌های غذایی سنگین شهری در ارتباط است و طبعاً رژیم غذایی گیاهی در درمان آنها موثر است. تجربه‌ی کاهش وزن سی کیلویی، یا کاهش قند و تنظیم فشار، در بین این افراد کاملاً صحت دارد. اما فرض کنیم برخی از افراد برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاجی مانند سرطان یا ایدز به آنها مراجعه کنند. آنها نسبت به درمان کامل یا شفا یافتن از پزشکی مدرن ناامید هستند و حضور آنها در مرکز، در واقع سنجش خام گیاه‌خواری به مثابه بدیل پزشکی است.

منوچهر ۶۱ ساله مبتلا به سرطان خون

من چند دوره شیمی‌درمانی رو طی کردم، ولی بی‌فایده بود. توی بیمارستان نشسته بودم که یه خانمی اونجا بود و آدرس اینجا رو بمن داد ایشون گفتش که نتیجه می‌گیرید مطمئن باشید. منم اومدم. هر چی خدا بخواد ولی باید خوب بشم یا بمیرم چون این وضعیت سردرگمی و درد و تازه کلی هم هزینه می‌ذاره رو گردن خانواده. آخرشم می‌میرم.
(۱۳۹۳/۴/۱۷)

منوچهر برای درمان به پزشکی مدرن و راهکارهای پیش روی بیمار در جامعه یعنی بیمارستان، بستری شدن، مصرف دارو، پرتو درمانی و در نهایت شیمی‌درمانی پناه می‌برد اما سرانجام خود را در آستانه‌ی مرگ می‌بیند. او از پزشکی مدرن شفای کامل می‌خواهد و این مفهوم را از طریق ولی "خوب نشدم" بیان می‌کند. او همچنان در ناامیدی و تعلیق به سر می‌برد که این را می‌توان در عبارت یا خوب می‌شوم یا می‌میرم به خوبی مشاهده کرد. در پزشکی مدرن خبری از شفا نیست، بلکه فرد پس از ابتلا به بیماری‌های مهلک، ناچار از تن دادن به پروسه فرساینده درمان است.

اغلب این طیف از سوژه‌ها از طریق شبکه دوستان، و با توجه به استیصال درمانی و اجتماعی به مرکز معرفی می‌شود. گیاه‌خواران سلامت‌محور، طبیعتاً با توجه به فشارهای سنگینی که در طول ایام بیماری با آن روبرو بوده‌اند و نیز دعاوی گسترده خام‌گیاه‌خواری در حوزه سلامت، با یک دوگانه عظیم روبرو می‌شوند و خود را در یک وضعیت تراژدیک درمی‌یابند.

پیرمردی که «روزانه تا بیست‌ودو قرص و شانزده واحد انسولین را مصرف می‌کند و زندگی او وابسته به مصرف داروست» در فضایی خود را می‌یابد که از او طلب قطع درمان پزشکی می‌کند. بنابراین او باید در درجه‌ی اول، انگاره‌های خود درباره هژمونی پزشکی مدرن را به تعلیق درآورد، به خام‌گیاه‌خواری هرچند موقت باور پیدا کند، و در شرایطی که چنین ریسکی می‌تواند منجر به مرگ او شود، خانواده‌ی خود را نیز نسبت به صحت عمل خود متقاعد کند. علاوه بر این، تغییر رژیم که به آن سم‌زدایی می‌گویند، فرد را دچار بی‌حالی، ترکیدگی پوست، عفونت، اسهال، ضعف، سرگیجه و تب می‌کند، و همین فرد حساسیت خانواده‌ها را نسبت به این عمل دوچندان می‌کند. بنابراین فرد با ورود به انجمن، در یک تضاد شدید قرار می‌گیرد.

مهتاج خانم ۶۳ سه‌ساله مبتلا به سرطان:

سم‌زدایی خیلی واسه من سخت بود. خانوادم هم چون در جریان بودن مخالفت کردن یعنی از توضیح به اونا هم خسته شدم. گیاه‌خواری خیلی سخته. مخصوصاً توی وضعیت ما که مریضیم و سنی از ما گذشته. نمی‌شه گفت اینجا شما خوب می‌شید ولی چیزی از دست نمی‌دید.» (۱۳۹۳/۳/۱۴)

همین وضعیت خام‌گیاه‌خواران سلامت‌محور را به یک تیپ خاص محدود کرده است، اغلب آنها افراد مسنی هستند که به بیماری‌های مزمن و کشنده مبتلا هستند و دوره‌ی خام‌گیاه‌خواری آنها کوتاه و اغلب کمتر از یک ماه می‌باشد. این تیپ از خام‌گیاه‌خواری را به همین دلیل می‌توان خام‌گیاه‌خواری موقت نیز عنوان کرد. آنها به علت ضعف شدید بدنی پس از خام‌گیاه‌خواری و عدم اثربخشی این رژیم در برابر بیماری، نیز فشارهای سنگین از سوی خانواده، از نو رو به سوی پزشکی مدرن می‌نهند.

خام‌گیاه‌خواری عرفانی

گفتیم خام‌گیاه‌خواری یک روش درمانی موقتاً خوب برای چاقی و درمان فشار و چربی خون و بیماری‌های متأثر از چاقی مزمن در سنین جوانی است (تیپ دوم سلامت‌محورها). شفا یافته‌ها از همین سنخ‌اند. افراد چاق و مبتلا به انواع فشار با استفاده از رژیم غذایی، به خوبی موفق به کنترل وضعیت خود می‌شوند و از این جهت، با یک تیپ از وجد و احساس شدید خوشایندی

و خوش‌بینی به مسئله نگاه می‌کنند. این افراد فضای کلی انجمن را در اختیار داشته، و به تازه‌وارادان به انجمن مشاوره می‌دهند.

همراه یکی از خام‌گیاه‌خواران سلامت‌محور:

«الان پدرم سیزده روزه خام‌گیاه‌خوار شده، خیلی ضعیف شده اونقدری که همه مردم می‌گن داره می‌میره. هرچه هم بهش می‌گیم با پرخاش جواب میده. الانم اومدم اینجا آقاییون می‌گن خوب می‌شه، قطعاً نتیجه می‌گیره این جواری که اینا می‌گن آدم جذب می‌شه ولی هیچ دلیلی برای آدم نمیارن، میگن ایمان داشته باش و از این حرفا. (۱۳۹۳/۴/۲۳)

وضعیت بغرنج مراجعان به مرکز، همراه با ضعف استدلال‌های خام‌گیاه‌خواری آوانسیان، موجب خلق زبان و فضای عرفانی در مرکز شده است. شفا یافتگان با استفاده از مفاهیمی مانند ایمان و باور تلاش می‌کنند خود را در ایستمه و چارچوبی غیرعقلانی تعریف می‌کنند، و استدلالات علمی را محصول اذهان پخته‌خوار و منحرف تلقی کنند. امکان استفاده از چنین زبانی برای آنها محقق است چرا که آنها اغلب جوان، مستقل و سالمند، در حالی که برای خام‌گیاه‌خواران سلامت‌محور کهولت سن و بیماری‌های حاد، به معنای کاهش توانایی آنها در برابر هژمونی قالب در جامعه و به طور خاص خانواده است. بنابراین خام‌گیاه‌خواری عرفانی، طولانی‌مدت، غیراستدلالی و عرفانی است که عمدتاً توسط جوانان مبتلا به بیماری‌های غیرکشنده، دنبال می‌شود. اما این زبان عرفانی و غیراستدلالی که توسط خام‌گیاه‌خواران عرفان‌گرا دنبال می‌شود دارای چه ویژگی‌هایی است؟

باور

حدود ۹۰ درصد از مراجعین به خام‌گیاه‌خواری، با محرک اولیه بیماری پا به میدان می‌گذارند و از کل مراجعین به مرکز در نهایت بین پنج تا ده درصد به خام‌گیاه‌خواری وفادار خواهند بود. عادل ۳۸ ساله از فعالین عرفان‌گرای مرکز می‌گوید:

«من خودم وقتی اومدم ۱۲۶ کیلو بودم ولی الان حدود ۸۰ کیلو بیشتر نیستم. مردم می‌گن تو که شفا پیدا کردی دیگه چرا میری مرکز؟ ولی من واسه این نیومدم. البته اوایل چرا ولی بعداً فهمیدم که این فقط یه ابزار واسه چیزای بالاتر» (۱۳۹۳/۵/۱۷)

خام‌گیاه‌خواری، صرفاً یک رژیم غذایی سلامت‌زا نیست که با استفاده از خواص درمانی راه بازگشت سلامت به انسان‌ها را هموار می‌کند (خام‌گیاه‌خواری سلامت‌محور) یا با ارائه فهرستی از باید‌ها و نبایدها، خوب زیستن را به ما عرضه کند (خام‌گیاه‌خواری سبک‌زندگی). به زعم شفایافتگان، خام‌گیاه‌خواری یک راه راست است که ما را از حرص و خودبینی نجات می‌دهد و همراه با این موارد روحانی ما را در یک بستر سالم جسمی و معنوی قرار داده تا در این مسیر به حرکت خود به سوی خدا ادامه دهیم. در برابر راه راست خام‌گیاه‌خواری یا آنچه که در عرفان بدان طریقت می‌گویند، قطعاً معدودی توانایی ادامه دادن این راه را دارند.

«فقط ۵ درصد از کسانی که میان مطلقن و باقی آدما خیلی زود لغزش

می‌کنند» (۱۳۹۳/۵/۲۳)

خام‌گیاه‌خواران عرفان‌گرا معتقدند که بدون باور داشتن شاید مانند سلامت‌محورها، بتوان برای زمان کوتاهی دست به خام‌گیاه‌خواری زد، اما بعد از مدتی فرد اسیر وسوسه شده و سرانجام مرتکب غفلت می‌شود. باور در نزد خام‌گیاه‌خواران به معنی «ایمان به درستی راه در پیش گرفته شده و استمرار در ادامه این راه تا رسیدن به نتایج مطلوب است». باور مترادف با صلب اختیار و تعلیق وضعیت است، حتی برای بیمار سرطانی هفتادساله. از این جهت خام‌گیاه‌خواران در میان خود به دو گروه مطلق و لغزشی تقسیم شوند که گروه نخست عرفان‌گراها هستند.

مهدی خام‌گیاه‌خوار صاحب کبابی:

«بینید الان من از چند طرف تحت فشارم. به طرف خوب من آشپزم همش دارم غذا

می‌پزم و حتی نمی‌تونم غدامو مزه کنم. می‌گم شاگردم بیاد مزه کنه. بعد سر همین دوستانم تو

محل کار مسخره می‌کنن. خانواده هم هی گیر میده. توی مهمونی‌ها هم اذیت می‌شم باید با

همه سروکله بزنی اما با این باور دیگه کسی نمی‌تونه دلتو بلرزونه» (۱۳۹۳/۵/۱۴)

باور زبان استدلال را به محاق می‌برد. باور از یک سو مسبب انزوا و تعلیق روابط گذشته و از سوی دیگر آغاز و استمرار روابط جدید در مرکز است. باور، توانایی و عشق برای ادامه راه برای بیماری است که از علاجه به ستوه آمده است. استدلالات بسیار سطحی آوانسیان و ضعف علمی و نظری خام‌گیاه‌خواری، به سادگی می‌تواند توسط جامعه پزشکی و متخصصان رد شود اما با استفاده از باور آنها به سادگی می‌توانند موضوعیت مباحث را دگرگون کنند. از این

جهت، آنها مخاطبان را به منابع دیگری ارجاع می‌دهند. بهزاد جوان ۲۱ ساله مبتلا به صرع و بیماری‌های پوستی در این مورد می‌گوید:

«شما وقتی مریض یا بیمار هستید یا هر کس دیگه باید کتاب آوانسیان رو بخونید ولی واسه اینکه لغزش نکنید کافی نیست باید یه سری منابع دیگه رو بخونید تا به راهی که درپیش گرفتید ادامه بدید.» (۱۳۹۳/۴/۹)

منابع مدنظر او، کتاب‌های عمومی عرفانی است، غیر از این بهزاد می‌گوید علاوه بر مطالعه برای بدست آوردن باور باید با باقی افرادی که اینجا هستند ارتباط داشته باشید تا در برابر وسوسه بازگشت به پخته‌خواری، توانایی مقاومت و حفظ باور زنده گردد. این ارتباطات، سهم عمده‌ای در وجود چنین اجتماعی دارند.

خانم حسینی مدیر مرکز می‌گوید:

«من گاهی تا دویست تا تماس دارم، بعضی وقتا ساعت چهار صبح تماس دارم. یکی مریضه یکی اون لحظه یه اون لحظه دچار لغزش شده و به کمک نیاز داره.» (سخنرانی، ۱۳۹۳/۵/۱۹)

مهیار می‌گوید:

«روزای اول هرکسی معمولاً وسوسه می‌شه که ناخنک بزنه و باقی غذاها رو بخوره اما ما می‌گیم به محض اینکه وسوسه شدی به ما زنگ بزن.» (۱۳۹۳/۵/۱۷)

تماس‌ها به تازه‌واردانی که وسوسه شده‌اند شیوه کنترل نفس و مقابله با وسوسه و لغزش با استفاده از مفاهیم عرفانی توضیح داده می‌شود و فرد وسوسه‌شده به مراقبه و تهذیب دعوت می‌شود. غیر از این، تماس‌های مکرر مانند چهار جلسه حضور هفتگی در مرکز موجب گره خوردن هویت جدید فرد تازه‌وارد به مرکز و ایجاد نوعی تعهد شبه‌سازمانی در او می‌شود. فرد خود را موظف می‌کند که حتی ساعت چهار صبح به مدیر مرکز، گزارش وضعیت دهد، راهنمایی بگیرد و گاهی به در مقابل او دست به اعتراف زند و گاه و بی‌گاه ارادت خود را به خام‌گیاه‌خواری ابراز کند. از این جهت باور به راه تعریف‌شده، با مطالعه آثار عرفانی و حفظ ارتباطات با انجمن، تقویت می‌گردد.

فرادرمانی

در کتاب آوانسیان به رغم ضدیت و رد پزشکی مدرن، مخالفتی با عرفان و روش‌های فرادرمانی دیده نمی‌شود، چرا که در زمان او اساساً خبری از این روش‌های درمانی نبوده است. روشی که در این زمینه بین خام‌گیاه‌خواران بیشتر از همه، مورد استفاده قرار می‌گیرد فرادرمانی است. فرادرمانی یک دوره آموزشی در عرفان حلقه است به نظر محمدعلی طاهری بنیانگذار عرفان حلقه «هرگاه بین شعور اجزای تشکیل‌دهنده وجود انسان و شعور کل، ارتباط برقرار شود، شعور مدیریت بدن و سلول که جزئی از ذهن است، قادر به ترمیم، اصلاح و رفع عیوب و اشکالات بدن و سلول و اصلاح عملکرد نرم‌افزاری روان و سایر بخش‌های ذهن خواهد بود» (طاهری، ۲۰۱۱: ۱۲۲) درمانگر در این روش بعد از آنکه فرد بیمار را شناسایی کرد با تمرکز بروی سلول‌ها یا عضو آسیب‌دیده، انرژی مثبتی به درون سلول و عضو آسیب‌دیده تزریق کرده و هر نوع بیماری را شفای کامل می‌دهد. بر این اساس در سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌های ما، یک حافظه عظیم نهفته است که تجربه‌ی همه حیوانات و موجودات روی زمین، در این حافظه ثبت شده است. ایده وجود چنین حافظه‌ای منبعث از این گزاره است که همه ما از یک نقطه واحد شروع شده و در فرایند تکامل از همدیگر جدا شده‌ایم؛ بنابراین سلول انسان، حیوانات و حتی گیاهان دارای نقطه‌های مشترکی می‌باشند که یادگار نقطه شروع و جد مشترک ماست. این حافظه در وضعیت غیرفعال قرار دارد و ما باید با سلول هم‌فاز شده و آگاهی را بدان تزریق کرده و آن را در وضعیت فعال قرار دهیم. به این ترتیب هر بیماری صرفاً با تکیه بر آگاهی سلول، عضو و بدن قابل درمان می‌باشد. در کل، فرادرمانگر بدون دخالت و مداخله فیزیکی به مثابه یک شاهد، بیمار را شفا می‌دهد. نرم‌افزارهای وجودی و آگاه کردن سلول‌های فرضاً سرطانی از روش اشتباه آن‌ها که موجب این بیماری شده و قرار دادن این سلول‌ها در فاز مثبت بیمار سرطانی در آستانه مرگ را شفا می‌دهد. جهان ما علاوه بر ماده و انرژی که قابل تبدیل به هم می‌باشند از شعور نیز تشکیل شده است. شعور حاوی اطلاعات است یا چیزی شبیه به آن است. به‌عنوان مثال پریسا می‌گوید:

برای درمان ناباوروری مفهوم بارداری شعوری را داریم. چنانچه می‌دانیم جنین محصول

تلفیق تخمک با اسپرم می‌باشد؛ اما ما در این روش با تکیه بر انتقال شعور یا اطلاعات به

روشی غیر از انتقال اسپرمی ناباوروری را برطرف می‌کنیم» (۱۳۹۳/۵/۱۹)

به نظر خام‌گیاه‌خواران استفاده از فرادرمانی، خصوصاً در زندگی شهری و مدرن دارای ضرورت است. به باور خام‌گیاه‌خواران عرفانی گاهی ما آن‌چنان با طبیعت و زمان هم‌فاز و هماهنگ هستیم که نیاز چندانی به فرادرمانی نداریم. در این وضعیت طبیعت به شکل طبیعی و هماهنگ انرژی‌های لازم به ما را به ما می‌دهد؛ اما در زندگی مدرن و در شرایطی که ما به علت زیست در آپارتمان و پوشیدن کفش حتی قادر به لمس زمین نمی‌باشیم لازم است که از طریق فرادرمانی هر چه بیشتر به موادی که مصرف می‌کنیم، انرژی تزریق کنیم. شارژ شعوری اینجا نقش جبران‌کننده‌ایی را دارد که به علت دوری روزافزون ما از طبیعت، دسترسی به آن ضرورت می‌یابد.

کمال

فرادرمانی، همچنان که با تمرکز و برقراری ارتباط با سلول‌ها می‌تواند سبب درمان بیماری شود، در به کمال رسیدن و بی‌نیازی نیز می‌تواند موثر باشد. اعضای انجمن، زمانی که به زعم خود از فواید فرادرمانی در کنترل بیماری مطلع می‌شوند از همین روش برای دسترسی به سطوح بالاتر روحانی نیز استفاده می‌کنند.

امید از اعضای انجمن:

«ما در این راه نفس خوردن را کنار می‌گذاریم: نفس دیدن و نفس خوردن. آگه آدم

نفس خوردن رو کنار بذاره به‌راحتی می‌تونه نفس دوست داشتن دنیا رو کنار بذاره و خیلی

زود به آگاهی برسه» (۱۳۹۳/۶/۱۳)

نفس خوردن، در قالب خام‌گیاه‌خواری عرفانی می‌تواند به‌سادگی کنترل شود چراکه این دو پدیده یعنی عرفان و خام‌گیاه‌خواری، صورتی حساب‌شده و کنترل‌شده به مصرف فردی می‌دهند، یعنی این دو حوزه می‌توانند در کنار هم باشند بی‌آنکه تداخلی اساسی بین آنها به وجود آید. خام‌گیاه‌خواری و چشم‌پوشی از بیشتر غذاها و عادات اطراف که در درجه نخست با پرهیز از خوردن و خوراک گره می‌خورد، خود زمینه‌ایی برای فرار از دنیا و آغاز عرفان‌گرایی است. عرفان‌گراها تغییر در شیوه تغذیه را می‌پذیرد، اما فلسفه این تغییر را نه سلامت جسمی و نابودی مرض و سلول‌های مریض بلکه تغییر را در جهت باز شدن چشم، بصیرت، روشن شدن ضمیر، ایجاد هماهنگی با نظام هستی، عشق‌بازی با کائنات و کشتن نفس به کار می‌برند.

مهیار:

خام‌گیاه‌خواری می‌تونه شما رو با دنیای اطرافتون هماهنگ کنه. خام‌گیاه‌خواری یه چیز آهسته و پیوسته است، شما با قوانین طبیعت هماهنگ می‌شید و خیلی زود هم جواب این هماهنگیتون رو می‌گیرید. (۱۳۹۶/۶/۹)

آوانسیان، بیماری را نتیجه عدم طبیعت از قوانین طبیعت و خدا می‌داند (آوانسیان، ۱۳۵۵: ۳۷۱) نوع دندان، معده، شکل زبان و... ما به حیوانات گیاه‌خوار شباهت دارد تا حیوانات گوشت‌خوار، از این جهت با پختن، برخلاف طبیعت و آفرینش عمل کرده‌ایم. چنین عباراتی، در آثار آوانسیان جای خود را به عدم هم‌فازی به جهان، وحدانیت، هم‌فازی شعوری، شعور اشتراکی و... می‌دهند. جهان هماهنگ آوانسیان در حقیقت همان جهان وحدانی طاهری است. جهانی است که همه چیز آن به سوی خدا در حرکت بوده و نافرمانی ما، سبب بروز بیماری، ناهماهنگی، کینه، قساوت و پیچیدگی و مصیبت‌های دیگر شده است.

میثاق می‌گوید:

وقتی ما می‌گیم که ادما الان دارن خون‌خوار و وحشی می‌شن منظورمون این نیست که با خوردن گوشت این جور اتفاقی می‌افته، خوردن گوشت یه مثالیه، منظور اصلی اینه که داریم از خدا نافرمانی می‌کنیم. (۱۳۹۶/۶/۳)

در حقیقت مسئله انسان خام‌گیاه‌خوار از نخوردن گوشت و به دست آوردن سلامتی به هماهنگی و توازن با همه اجزای هستی تغییر می‌یابد. سلول‌های بنیادین نقطه مشترک انسان و سایر حیوانات است ما از طریق این نقاط مشترک و همچنین روح الهی که داریم می‌توانیم با گیاهان و سایر حیوانات که بستگان دور ما می‌باشند ارتباط برقرار کرده و با آن‌ها حرف زده و پیام دریافت کنیم؛ بنابراین این هم‌فازی با جهان اطراف، به‌خصوص با سایر موجودات روی زمین هم ریشه مادی دارد هم‌ریشه روحانی. این ایده ما را ملزم به پذیرفتن این اصل می‌کند که خداوند این جهان را بر اساس یک طرح منسجم، هماهنگ و از پیش آماده، به وجود آورده است. حقوق حیوانات پدیده‌ایی مدرن است درباره حق زیست دیگرگونه‌هاست در حقیقت برداشتی حقوقی است تا معنوی؛ اما در خام‌گیاه‌خواران عرفان‌گرا سایر حیوانات از سویی مخلوقات هستند که خداوند هرگز بدون حکمت آن‌ها را نیافریده است و از سوی دیگر این موجودات که ما از کشتن و آزار رساندن به آن‌ها خودداری می‌کنیم در آینده و در مجموعه

جهان هستی که خدا خلق کرده، شارژهای شعوری مثبت یا پیام‌هایی را صادر می‌کنند که زمینه‌ساز خیروبرکت در زندگی ما خواهند بود. خام‌گیاه‌خواران عرفانی به این ترتیب نوع تغذیه خود را بدون مصرف گوشت علاوه بر سلامتی توجیه عرفانی می‌نمایند.

پریسا

الآن وقتی اینا رو می‌گیم خیلیا می‌گن خوب گیاهان هم جون دارن. ما واسه همین به سمت میوه‌خواری مطلق می‌ریم چون میوه‌ها جون ندارن و خودشون یواش‌یواش از درختا می‌افتن. حتی بعضیا تک خوار می‌شن یعنی طرف فقط انگور می‌خوره و بعدشم بعضیا آب‌خوار می‌شن. اینا مرحله مرحله است می‌شه از طبیعت انرژی گرفت از باد از نور و مثل مرتاضای هندی دیگه حتی بدون آب هم زنده موندن. اینا به این مرحله رسیدن.

به این ترتیب، امکانی که در فرادرمانی برای کنترل بیماری‌ها وجود دارد، گیاه‌خواران را به صرفت خرج کردن آن در راه تعالی نفس می‌اندازد. سرانجام خام‌گیاه‌خواران عرفان‌گرا به‌مرور ضرورت‌های بهداشتی/پزشکی را کاملاً فراموش می‌کنند و آن‌ها را کنار می‌گذارند. همه‌چیز در خدمت ارتقای نفس و دستیابی به کمال قرار می‌گیرد. نوع خوانش آن‌ها از بیماری، علت بیماری، روش برخورد با بیمار، نوع تغذیه، روش تعامل با دیگران و... همه و همه بیش‌ازپیش از هسته اولیه خام‌گیاه‌خواری جدا و به سمت نوعی عرفان جدید و التقاطی سوق داده شده‌اند که بهترین عنوان برای آن عرفان خام‌گیاه‌خواری می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هریک از تیپ‌های موجود در مرکز خام‌گیاه‌خواری بنا بر ضرورت‌های زیست‌اجتماعی خود به سوی یک نوع خاص از خام‌گیاه‌خواری گرایش پیدا می‌کنند. ما در این پژوهش دو تیپ خام‌گیاه‌خواری سبک‌زندگی و عرفانی را شناسایی کردیم. افرادی که دارای سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بالاتری هستند، به خام‌گیاه‌خواری سبک‌زندگی گرایش دارند، این گرایش، بازخورد جایگاه طبقاتی این افراد و نتیجه شکل‌گیری زبان مستدل و منطقی در آنهاست. چنان‌چه بورديو می‌گوید غذا و عاداتش، از شیوه‌های مواجهه و ایجاد ارتباط با دنیای اطراف ماست. طبقات کارگر و پایین جامعه به غذاهای پُرچرب و پُرپیمان تمایل دارند. آن‌ها در مصرف مواد غذایی به شکل عوامانه‌ایی به ماده‌گرایی واقع‌بینانه متمایلند. در برابر این سلیقه‌ی شکم‌پُرکن عامیانه، در بین

طبقات بالا نوعی جریان پارسایی، متانت و ظرافت در خوردن رایج است. آنان فرهنگی محاسبه‌شده در غذا خوردن دارند که اساس آن در برابر فرهنگ غریزه‌محور و همه‌چیزخور طبقات پایین است. گرایش به زهد و متانت در خوردن، عمدتاً متأثر از سرمایه فرهنگی بالاست که در برابر غذاهای چرب و پر‌محتوای طبقات پایین قرار می‌گیرد (بورديو، ۱۳۹۱: ۲۵۰). تغییر رژیم غذایی، صرفاً زمانی برای افراد سهل خواهد بود که این تغییر، سازگار و در راستای عادت‌واری آنها باشد. به همین علت، عموم خام‌گیاه‌خواران سبک‌زندگی از طبقات فرهنگی/اقتصادی بالای جامعه می‌باشند.

از آنجایی که مصرف حساب‌شده غذا با ایده‌های کوتاه‌مدت طبقه کارگر هماهنگ نیست، برخی از خام‌گیاه‌خواران متعلق به طبقات پایین، برای توجیه و توضیح سبک متضاد در پیش گرفته‌شده با عادت‌واری خود، به دنیای عرفان پناه می‌برند. فرد خام‌گیاه‌خوار از طریق زبان عرفانی امکان توجیه وضعیت برای خود و دیگران را به دست می‌آورد. کارکرد اصلی مفاهیمی مانند هم‌فازی، هماهنگی و باور، برساخت بستری امن و عاری از تضاد برای فردی می‌باشد که رژیم غذایی گیاهی‌اش در تضاد با موقعیت طبقاتی و سرمایه‌های مندرج در اوست. درست در این نقطه فرافکنانه است که می‌توان گسترش عرفان و مفاهیم عرفانی‌ای مانند هم‌فازی را در جامعه و به طور خاص در انجمن خام‌گیاه‌خواری به خوبی درک کرد. هم‌فازی با جهان وضعیتی است که فرد با هیچ‌چیز در دنیای اطراف در تضاد و تخاصم نباشد و کارکرد اصلی این مفهوم به محاق بردن کلیه تضادهای بیرونی و درونی است. این وضعیت تساهل دائمی سبب ذخیره مقدار زیادی انرژی می‌شود به این معنا که با استعانت از هم‌فازی با جهان اطراف انرژی‌ای را که افراد صرف کلنجار رفتن با تضادها و مشکلات واقعی می‌کنند صرف تعالی آنان خواهد شد. بنابراین، خام‌گیاه‌خواران موجود در مرکز، متأثر از جایگاه طبقاتی و انواع سرمایه‌ها، به دو گروه سبک زندگی و عرفانی تقسیم می‌شوند.

اما آیا می‌توان خام‌گیاه‌خواری را یک دین نامید؟ انجمن خام‌گیاه‌خواری مکانی مقدس است و به نظر اعضای انجمن، به جز برگزیده‌ها، هر کسی امکان حضور در این مکان مقدس را ندارد. آوانسیان، بنیان‌گذار خام‌گیاه‌خواری، اصرار دارد که نخستین بانی این ایده است و راه خود را نجات بشریت و پیروان خود را نجات‌یافته‌ها عنوان می‌کند. او طرحی پیامبرگونه برای دعوت دیگران برای کار خویش ترسیم می‌کند. اما هیچ‌یک از این صور، به تنهایی ادعای ما را در دین

بودن خام‌گیاه‌خواری به اثبات نمی‌رساند. دین ساختاری یک دست از باورهاست که به طبقه‌بندی جهان بر اساس امر مقدس/نامقدس دست می‌زند و از طریق خلق باورها و مناسک‌ها، یک اُمت یا اجتماع واحد را به وجود می‌آورد. اساس وجود انجمن بر مبنای تحریم بسیاری از عادات روزمره و تقدس‌بخشی به برخی عادات دیگر است. خورد و خوراک، نوع پوشش و رفت و آمدها بر اساس دوگانه خام/پخته کاملاً دگرگون می‌گردد، و فرد پس از خام‌گیاه‌خواری با یک ارجاع الهیاتی/دینی پرهیزکارانه دست به کنش‌گری می‌زند. در درون مرکز، مناسک دینی خاصی به سبک و سیاق ادیان کلاسیک برگزار نمی‌شود، اما نوع پوشش سر تا پا سفید برخی از اعضای مرکز، روابط درون‌گروهی، گردهمایی‌های منظم، و انواع و اقسام روزه و نذری و راز و نیازهای رایج در اعضای انجمن را می‌توان اهم مناسک‌های موجود در مرکز عنوان کرد. خام‌گیاه‌خواران عرفان‌گرا، همانند حواریون، خود را متمایز، برگزیده و در لفافه بشارت‌داده شده تلقی می‌کنند. حتی حضور آنها در این انجمن، به زعم خودشان ناشی از رحمتی خداوند می‌باشد. رحمتی که دیگران از آن محرومند. همین احساس اقلیت بشارت‌داده شده، دست آخر به انسجام مرکز و تبدیل آن به یک اجتماع متمایز کمک نموده است، از نظر دورکیم، کارکرد دین نیز همین است. بنابراین و با اتکا به داده‌های این پژوهش، می‌توان ادعا کرد که این گزاره که جامعه‌ی ایرانی، به سوی دین‌زدایی در حرکت است، فاقد دقت کافی است. به نظر به جای دین‌زدایی از جامعه، ما با تکثیر و تعدد صورت‌های نوین و غیرنهادمند دین مواجه‌ایم. در حقیقت، صورت‌های دین‌داری در حال تغییر شکل‌اند و افراد از حالت تقید به ادیان نهادمند و متمرکز، به سوی ادیان غیرنهادمند و گسسته در حرکتند. پرواضح است که چنین امری به معنی کاهش سطح و گستره دین‌داری نیست بلکه به معنای تغییر در کیفیت آن است.

منابع

- آوانسیان، آرشاور در (۱۳۵۵) خام‌خواری، زنده‌خواری فلسفه تغذیه و تندرستی، تهران: نشر ثالث
- اباذری، یوسف (۱۳۸۷)، خرد جامعه‌شناسی، تهران، طرح نو
- بوردیو پیر (۱۳۹۱) تمایز ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر ثالث
- دورکیم امیل (۱۳۸۶) صور بنیادی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز

- دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، احساس دینی در عصر حاضر، سارا شریعتی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲
- طاهری، محمد علی (۲۰۱۱) فرادرمانی، انتشارات ایروان ارمنستان.
- ساروخانی، باقر و میرساردو، طاهر (۱۳۷۹) فرهنگ جامعه‌شناسی (جلد دوم)، تهران: نشر سروش
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، هادی جلیلی، تهران، نی
- نوربخش، مرتضی (۱۳۸۸) واژگان علوم اجتماعی، تهران: انتشارات بهینه
- هدایت، صادق (۱۳۴۲) فوائد گیاه‌خواری، تهران انتشارات امیر کبیر
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث
- Lucmann, Thomas (1967) *The Invisible Religion: the problem of Religion in modern society*. New York: the Macmillan Company.
- Schensul, J and. LeCompte, M.D. (2010), *Designing and Conducting Ethnographic Research*. The
- *Ethnographer's Toolkit*, Book 1. Lanham, MD: Altamira Press, Rowman and Littlefield